



۲۰۱۹/۱۰/۱۶

محمد داؤد مومند

تفتین و اغواگری های نشراتی افغان جرمن از پرنسیپ های نشراتی



قسمت سوم و پایان

جناب قیس کبیر!

شما دو بار در تاریخ افغان جرمن، که در مورد شخص دیگری سابقه ندارد، بر خلاف تمام موازین و اخلاق مطبوعاتی، به افشای اسم مستعار من پرداختید. شما برخلاف تعامل مطبوعات آزاد و آزاده، در تاریخ نشرات افغان جرمن از نشر نظریات و نوشته های ملیگریانه من جلوگیری نموده و دروازه و بسایت خود را به رویم بستید، که اینکار تا امروز، در حق هیچ شخص دیگری انجام نپذیرفته و لذا یک عمل کاملاً دیکتاتورانه و تبعیضی قلمداد می گردد. درین قسمت لازم می دانم سطری از مکتوب سردار صاحب محمد داؤد خان را در زمانی که در لیسه حبیبیه بودم و از گزند روزگار در امان مانده و توسط پسر شان ویس شهید برایم ارسال گردید، در اینجا نقل نمایم.

«ارجمند عزیز داؤد خان»

مکتوب تان را گرفتم مسرور شدم از اینکه نزد یک فرزند افغان درین آوان جوانی چنین

احساسات سرشار افغانیت موجود است...»

یکی از شخصیت مهم تاریخ معاصر کشور یعنی سردار صاحب محمد داؤد خان، مکتوب و نوشته ارسالی مرا حدود شصت سال قبل، مظهر احساسات سرشار افغانیت من میدانند ولی قیس کبیر و

اعضای کمیته مرکزی اش، نوشته های مرا شوربای باسی قلمداد می کند، وجیزه پر مغزی مشعر است.

قدر زر زرگر بداند، قدر جوهر جوهری.

متأسفم که در زمره همکاران قلمی افغان جرمن یک هم وطن آزاده، یک فرد جوانمرد، یک شخص کاکه و عیار و یک فرد حق پسند و حقگو پیدا نشد، که در مورد دو تخلف و تصمیم خلاف اخلاق و موازین مطبوعاتی هیأت اجرایی افغان جرمن، حد اقل صدای اعتراض خود را بلند کند. البته از پاچه گیران و کفتارهای کژ اندیش و بد سگال این وبسایت که زیر پوشش نام های مستعار، همیشه بر من حمله ور می شدند، اصلاً گلاویه ای در کار نیست.

داهی بزرگ ملت افغان خوشحال بابای کبیر ارشادی داشته چنانکه می فرمایند:

خوشحال ختیک، په درنو دروند، په خپکو خپک

سردار داؤد خان در مورد من چه نوشته است و کفتارهای افغان جرمن در مورد من، چه قضاوت می کنند.

اما به حکم وجدان یکبار دیگر تکرار می کنم که سردار داؤد خان با همنوایی پلان کودتای سرطانی که از طرف ایادی کرملن به رهبری حسن چپ معروف به حسن شرق طرح ریزی شده بود، اغفال گردید و مرتکب چنان اشتباه بزرگ تاریخی دوره حیات خود گردید که قابل بخشایش نیست. جناب ق. کبیر در نوشته ای تحت عنوان «در حیرتم که آقای ولی احمد نوری چرا اینطور نوشت» خطاب به شاغلی محترم نوری چنین در افشانی میفرمایند:

«در قسمت داود مومند من هرگز نگفته ام که شما نوشته اید، (این جمله آقای قیس کبیر کاملاً ناقص بوده منظورش اشاره به مضامین این جانب محمد داود مومند منتشره در وبسایت آریانا است) زیرا سیستم و طریق نوشتار شما و مومند صاحب را همه می شناسند، هدف من فقط این بود که شما باز نویسی و اصلاح کاری کردید که به دل خودتان و به مذاق تان برابر باشد.

فقط دو نوشته اخیر شاغلی مومند را با نوشته های سابق شان مقایسه کنید.»

پاراگراف فوق الذکر شاغلی ق کبیر که یک بار دیگر به نوشته های این جانب تعلق می پذیرد، مرا و ادار ساخت که بار مجدد با افغان جرمن و ادعاهای خلاف واقعیت آقای قیس کبیر به میز، محاجه و محاسبه و مناطقه بنشینم و از خود و نوشته ها و نظریات خود دفاع مشروع نمایم.

■ یک: آقای قیس کبیر ادعا دارد که او هرگز نگفته است که مضامین داود مومند را شاغلی

نوری نوشته است بلکه شاغلی نوری آن را باز نویسی و اصلاح کرده است.

افغان جرمن که اکنون آقای کبیر خود، اعتراف نموده که نوشته اوست در دریچه افغان جرمن به صراحت نوشت که نوشته های این جانب داود مومند به قلم شاغلی ولی احمد نوری نوشته و کسی که از خود دفاع کرده نمی تواند قابل جواب دادن نمی باشد.

متأسفانه آقای کبیر در زمینه، دروغ می گوید و او در نوشته منتشره دریچه هرگز نگفته است که نوشته داود مومند از طرف شاغلی ولی احمد نوری باز نویسی شده تا آن را به مذاق خود برابر ساخته باشد.

من چندین بار کوشیدم که عین نوشته منتشره دریچه را درین قسمت کپی کنم ولی موفق به باز کردن دریچه نشدم، معلوم نیست که این یک مشکل تخنیکی است و یا اینکه آقای قیس کبیر به اصطلاح مردم مشرقی از لغمانی چل کار گرفته، تا مرا از دسترسی به مطالب منتشره قبلی در دریچه محروم سازد، الغیب و عندالله.

■ دو: آقای قیس کبیر در پارگراف فوق الذکر از کلمه سیستم به مفهوم سبک کار گرفته است، که در ادبیات زبان انگریزی به عنوان سبک مروج نبوده بلکه دز زمینه از کلماتی مانند «وی» و «ستایل» استفاده می شود (متأسفانه به حیث یک تایپست بسیار مبتدی، موفق نشدم کلمات مذکور را در اینجا به زبان انگریزی بنویسم، با عرض معذرت).
آقای کبیر یا یک رفیقش با استفاده از نام مستعار محمد شریف از کابل می نویسد: «آقای داود مومند برای دریافت کلمه فرنگی سیستم (که گویا در نوشته انجنیر قیس کبیر، آمده است) به سراغ محترم خلیل الله معروفی رفته اند.

در حالیکه دپلوم انجنیر معروفی، فقط انجنیر زبان دری هستند، نه السنه عالم. درین قسمت اخلاقاً لازم می دانم در مورد شطحیات متذکره فوق الذکر توضیحاتی ارائه نمایم:

- یک: دانستن زبان دوم مثلاً زبان انگریزی را نباید معادل به ذوق شاعر دربار قزل ارسلان، السنه عالم توجیه کرد.
- دو: دانش و صلاحیت و بصیرت مسلکی استاد معروفی را در قسمت احاطه فهم لغات زبان دری، نباید به پیروی از قوی کوشان، انجنیری لغت نامید که به جز اهانت به ثقافت زبان دری و شخص استاد معروفی، توجیه دیگری ندارد.
- سه: قوی کوشان بچه غلام حضرت کوشان، کوشانی که هر بار به خدمت استاد پژواک می شتافت، به احترام و اکرام و خاطر خواهی استاد فوراً، زانو بر زمین و پیشانی بر خاک می مالید، در اخبار و نشرات کثیف «امید» استاد معروفی را خطاب «انجنیر لغت» داد و امروز

با کمال تأسف دیده می شود، که افغان جرمن درین مورد از یک آدمی که فاقد وجدان ملی است، یعنی قوی کوشان پیروی می نماید.

● چهار: استاد معروفی از زمره تاجک تباران انگشت شماری است، که متکی بر شعور، وجدان و تفکر ملی نه تنها در صیانت و قدسیت زبان دری با اجیران و مزدوران ایران مانند قوی کوشان، سید مخدوم رهین، رسول رهین، روان فرهادی و تمام پیروان و هم فکران چنگیز پهلوان و عناصر فروخته شده شورای زمره فروشان نظار و جمعیت، ستم، پرچم در مبارزه است، بلکه در عین حال از اصطلاحات مروج زبان اکثریتی پشتو مانند پوهنتون، سره میاشت و غیره به مثابه اصطلاحات قبول شده ملی، در مبارزه آشتی ناپذیر قرار دارد.

استاد معروفی در ردیف دانشمندان ملی گرای بزرگ و معتقد به تأریخ پر افتخار کشور، در شأن لوی احمد شاه بابا مضامینی نوشته است که هر آینه موجب مباهات است، من حدود شش ماه قبل یکی از مضامین شان را در مورد مؤسس افغانستان نوین لوی احمد شاه بابا در وبسایت افغان جرمن غالباً به نام مستعار خود، لالپوروال، منتشر ساختم که در قسمت نوشته های برگزیده، جا داده شد.

استاد معروفی در معرفی شخصیت علمی علامه حبیبی مضمونی نوشت که موجبات غیض و غضب ایران پرستان بی مسلک و فاقد وجدان ملی را فراهم ساخت.

استاد معروفی در قسمت زبان و ادب دری و حمایت از اصالت آن به حیث زبان وطنی، بیشتر از چهار صد مقاله نوشته است، که باید مایه مباهات هم وطنان ملی گرا و وطن دوست باشد.

آقای کبیر شما گفته می توانید در طول سالیان متمادی نشرات و بسایت تان، به استثنای مضامین استاد معروفی، چند مضمون و مقاله در دفاع از اصالت زبان دری در برابر تهاجم فرهنگی ایران به دست نشر سپرده اید؟

آیا جای شرم و خجالت نیست که همچو دانشمند عاشق تأریخ ملی، شخصیت های بزرگ ملی و زبان و ادب و ثقافت ملی را به پیروی از قوی کوشان، به نام انجیر لغت مخاطب ساخت؟

اکنون بر میگردم به شاهکار انجیر صاحب قیس کبیر و کشف بزرگ شان در مورد تفسیر معانی عدیده کلمه سیستم در کامپیوتر.

آقای قیس کبیر و یا کدام رفیق هم فکر شان در دریچه چنین نوشته است:

با یک کلید در کامپیوتر، در یک ثانیه معنای سیستم هویدا شد.

معنی: دستگاه، جهاز، ترتیب، نظم، رشته، سبک، سلسله، روش، اسلوب، نظام، سیستم، همست، همستاد، قاعده، رویه!

چنین به نظر میرسد که آقای قیس کبیر یا کدام همکار شان برای پیدا کردن معنی کلمه سیستم به کدام سایت ایرانی مراجعه نموده زیرا کلمات نامانوس مانند همست و همستاد را برای بار اول در حیات خود می شنوم.

به هر صورت، کلمات قطار شده که برای معنی کلمه سیستم ارائه شده کلمات مغایر الفظ متحد المعنی نبوده، و آن کلمات را نمی توان در بسا موارد به مفهوم واحد استعمال کرد، مثلاً کلمات نظم، منظومه، جهاز، سلسله، نظام، دستگاه و امثالهم را به هیچ صورت نمی توان جاگزین کلمه «سبک» در ساحه نوشتن قرار داد.

هم چنان به هیچ صورت نمی توان کلمه سبک را به اشکال ذیل یعنی سبک آبیاری، سبک اقتصادی، سبک کانالیزیشن، سبک طبابت و غیره در جمل، جانشین کلمه سیستم ساخت.

کلمه سیستم مانند کلمات راکت، رادیو، تلویزیون، لیست و غیره کاملاً در السنه وطنی ما رائج، معمول و قابل درک بوده مانند سیستم آبیاری، سیستم شبکه های برقی، سیستم اقتصادی، سیستم کانالیزیشن و غیره که اصلاً ضرورت به ترجمه و ارائه معانی گمراه کننده لیست ارائه شده آقای کبیر را ندارد. هم چنان ما در حالیکه در السنه وطنی خود، لغت کاملاً معمول و متداول «سبک» را داریم، هیچ ضرورتی ملاحظه نمی گردد که آقای کبیر نیز خود را به اصطلاح قوی کوشان «انجنیر لغت» ساخته، به ابداع لغت غیر معمول «سیستم» در عوض سبک یا اسلوب که تا امروز در نوشته هیچ ادیب و نویسنده زبان دری استعمال نشده و یا من آن را ندیده ام بپردازد.

چنین معلوم می گردد که آقای کبیر در هوس ذوالفنون بودن است، وی علاوه بر اینکه از نظر مسلکی یک انجنیر است، آرزو دارد که متکی به اصطلاح قوی کوشان و خود شان انجنیر لغت نیز باشد، و بر آن نیز اکتفا ننموده خود را در قسمت فنون ادبی سبک شناس نیز معرفی نماید.

یک معقوله زبان عربی مشعر است که «کل فن الرجال».

سبک شناسی یک هنر ساده و آسان نیست، تا زمانیکه یک شخص به فنون ادبی وارد نباشد، تا زمانیکه یک فرد قانونمندی ساختار کلمات و فقه لغت و هم چنان ساختار جملات و در مجموع به دستور زبان، ممارثت نداشته باشد، تا زمانیکه یک شخص به ژرفای سبک و اسلوب نویسندگان مختلف و آثار شان، به صورت مسلکی مطالعه نداشته باشد، خود را در منزلت سبک شناسان قرار دادن زهی ظلالت و مظهر خود پسندی است.

آقای قیس کبیر طفلانه ادعا دارد تا با استعمال کلمه ابداعی منحصر به خود شان یعنی تفاوت در «سیستم» نوشتار شاغلی ولی احمد نوری و نویسنده این سطور ثابت نماید که دو نوشته این جانب

در وبسایت آریانا افغانستان آنلاین توسط شاغلی محترم نوری باز نویسی و اصلاح کاری شده که گویا شاغلی نوری آن را به دل و به مذاق خود برابر کرده باشد. درین جا کلام شاعر و نویسنده نامدار معاصر کشور یعنی استاد الفت به ذهن تداعی مینماید که میفرماید:

په داسی رنگ بی تمیزی د خرو خدا راخی.

آقای کبیر مانند یک صغیر برای ثبوت ادعای طفلانه خود چنین می نویسد: « فقط دو نوشته اخیر شاغلی مومند را با نوشته های سابق شان مقایسه کنید. » اولتر از همه آقای کبیر بفرمایند کدام آثار نویسندگان و شعرای معاصر کشور را مطالعه و با هم مقایسه و محتویات و سبک نوشتن شان را هضم نموده اند تا با تمسک بر آن حد اقل بدانیم که ایشان علاوه از مسلک تخنیک، در قسمت مطالعه ژرف و وسیع و همه جانبه ادبیات و آثار نویسندگان معاصر کشور از کسی پس نمی ماند.

ثانیاً این آقا ما را تنویر نمایند که هنر سبک شناسی و فنون ادبی را در کجا و از کجا آموخته اند؟ ثالثاً آقای کبیر کلمه به کلمه و جمله به جمله با ارائه امثله در مضامین من در قسمت ثبوت ادعای خود که شاغلی نوری مضامین مرا به مذاق خود تحریف، اصلاح و باز نویسی نموده اند ثابت نمایند، که آن کلمات و جملات از آن محمد داؤد مومند نیست بلکه تراوش خامه شاغلی نوری است. رابعاً، من به آقای قیس کبیر چلنج می دهم که نخستین مضامین سه گانه منتشره مرا در افغان جرمن که به دفاع از غازی امان الله خان به جواب وحید مژده تحریر نموده بودم از آرشیف مضامینم در وبسایت افغان جرمن کشیده و تفاوت سبک آن را با نوشته های منتشره ام در وبسایت آریانا افغانستان آنلاین، مورد مقایسه قرار داده و متکی بر فهم خود از فنون ادبی «که ایشان فاقد آنند» ثابت نمایند که چه تفاوت های در زمینه موجود است؟

کذا، متکی بر اصطلاح ابداعی «سیستم» خود، تفاوت های نوشتار من و محترم نوری را در مجموع توضیح نموده، و هم چنان در مورد ذوق شاغلی نوری و تفاوت های بارز آن با ادواق دیگران، این جانب را تنویر فرمایند.

خوش بود تا محک تجربه آید به میان

تا سیه روی شود آنکه در او غش باشد

شاغلی قیس کبیر هم چنان ادعا نموده که سبک نوشته های من ملایی است، لذا من از ایشان تقاضا می نمایم که اولتر از همه تلقی و استدراک عالمانه خود را از سبک ملایی، با تمام خصوصیات مادی

و معنوی آن به ما توضیح نموده و بعداً در ورای توضیحاتش در زمینه سبک ملایی، ثابت نماید که متکی بر دانش سبک شناسی اش کدام نوشته های داؤد مومند ملایی است؟
در اخیر یک بار دیگر دروغ دمدار شاغلی قیس کبیر را به رخ شان کشیده که در وبسایت خود نوشت: «زمانی که محترم نوری با افغان جرمن همکاری داشتند، داؤد مومند مقاله ای بر ضد ظاهرشاه (علیحضرت محمد ظاهر شاه - مومند) نوشت و محترم نوری او را از افغان جرمن تیخ کرد.»

آقای کبیر! آیا میدانید که ذات اقدس در کتاب ام الکتاب خود در مورد دروغگویان چی فرموده است؟
قیس جان قرآن را بخوان و بدان.
پدی برخه کی د بزم د انجمن شمع او د رزم د ډگر قهرمان لوی خوشحال بابا وینا زما ذهن ته راغله
چی فرمایی:

لا تر اوسه یی ماغزه په کرار ندی چا چی ما سره وهلی سر په سنگ دی

از نارسایی های محتمل املائی و انشایی خود قبلاً مراتب اعتذار خود را به عرض می رسانم.
با عرض حرمت

قیس جان کبیر بخوان و بدان

*** **

پایان

یادونه: که چیری گران لوستونکی و غواری چی د دی معززی لیکونکی مقالی هم ولولی، نو کولای سی چی، پر انځور باندی د «کلیک» په اجرا کولو سره د لیکونکی مقالی د «آرشیف» فهرست ته، لار بنودنه تر لاسه کری!

تفتین و اغواگری های نشراتی افغان جرمن (سوم و اخیر)
D_momand_taftin_wa_eghwaagari_nasharati_aao_۳.pdf

قسمت اول و دوم این مطلب را با کمک لینک های پایان مطالعه فرمائید:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/D_momand_taftin_wa_eghwaagari_nasharati_aao_۱.pdf
http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/D_momand_taftin_wa_eghwaagari_nasharati_aao_۲.pdf